

مرتضی شیرودی


بسم الله الرحمن الرحیم

یهود و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

نویسنده:

مرتضی شیرودی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

یهود و پیامبر (ص)

مشخصات کتاب

نویسنده : مرتضی شیرودی

ناشر : مرتضی شیرودی

سرآغاز

بشر برای تکامل خود نیاز به راهنما دارد، لذا خداوند متعال پیامبرانی را برای هدایت بشر در طول تاریخ برگزیده است ، تا آنان را به سعادت برسانند. حضرت موسی (ع) هم به همین دلیل مبعوث شد، اما پیروان او در طول تاریخ برای سود دنیوی خود این دین را تغییر داده و تحریف کردند، حتی یهودیان با آنکه نشانه های پیامبر اکرم (ص) را در تورات خوانده بودند ومنتظر ظهور او بودند، ولی بعد از بعثت دست به کارشکنی زدند، چون آرمانهاو دستورات اسلام با منافع دنیوی آنها مخالف بود. با مروری بر عملکرد یهوددر عصر نبوی ، می توان به حوزه های کارشکنی یهود علیه پیامبراکرم (ص)، علل و پیامدهای این کارشکنی پی برد:

یهود مهاجر

در باره علت مهاجرت یهودیان به جزیره العرب نظریه های مختلفی وجوددارد، از جمله :۱ حمله پادشاه آشور، بخت النصر یا نبوکد نصر، به فلسطین و آواره شدن یهود از دیار خود که بخشی به جزیره العرب کوچ کردند.۲ در ۷۰ میلادی با حمله تیتوس و خرابی معبد یهود، تعدادی از آنها ازفلسطین آواره شدند، عده ای هم در سال ۱۳۲ میلادی در اثر شکنجه ها وآزار آدریان رومی به این ناحیه مهاجرت کردند.۳ در اثر تماس بازرگانانی که در زمان حضرت سلیمان (ع) و پس از او به کشور سبا سفر می کردند، مردم جزیره العرب با رسم و آیین یهود آشنا شدند.۴ در اثر تخطی گروهی از بنی اسرائیل از فرمان پادشاه شان از کشور خودرانده شدند و به حجاز رفتند، به نظر یهودیان این اتفاِ در عصر طالوت

رخ داده است .۵ بر اساس داستان دیگر، یهودیان از فرزندان داوود پیامبرند که در پی قتل یکی از فرزندان حضرت داوود (ع) به جزیره العرب گریختند.۶ – عده ای می گویند یهود در سپاه نبونید، پادشاه بابل بوده اند که به جزیره العرب وارد شدند، اما آثار نبونید این موضوع را تایید نمی کند.۷ در اثر افزایش جمعیت یهود در فلسطین ، ایشان به دنبال چراگاه به سرزمین های مجاور مثل مصر، عراِ و جزیره العرب کوچ کردند.۸ در بعضی روایات آگاهی یهود از ظهور پیامبر جدید در جزیره العرب باعث مهاجرت یهود به این منطقه شده است . البته تمام این موارد در حدیک نظریه است ، زیرا هیچ مدرک مکتوبی از گذشته یهود در جزیره العرب وجود ندارد.در مورد اینکه یهود مدینه بومی هستند یا اصیل ، روایات مغشوش و پراکنده است ، اما به نظر می رسد از هر دو گروه بومی (عرب یهودی شده) و اصیل (ازنژاد بنی اسراییل) در مدینه ساکن بوده اند. گروهی عقیده دارند؛ یهودیان مدینه به این طریق یهودی شده اند که زنان جاهلی برای فرزنددار شدن نذرمی کردند، فرزندانشان را یهودی کنند، البته این گروه پس از بعثت بعد ازمسلمان شدن ، فرزندانشان را مجبور می کردند مسلمان شوند، در این هنگام آیه لا اکراه فی الدّین ِقَد تَبَیَن َالرُشدُمِن َالْغَی ۰(بقره /۲) نازل شد و به آنها تذکرداد که در دین هیچ اجباری نیست . البته اوضاع سیاسی و اجتماعی یهود درمدینه به این صورت بود که قبل از اینکه قبایل اوس

و خزرج از سرزمین سباوارد مدینه شوند، یهودیان به تنهایی کنترل اوضاع سیاسی و اقتصادی مدینه را در دست داشتند، اما بعد از آمدن قبایل اوس و خزرج به مدینه ، یهودیان موقعیت خود را در خطر دیدند، ناچار با این قبایل پیمان بستند، البته یهوددر این پیمان از موقعیت پایین تری نسبت به اوس و خزرج برخوردار بودند. از نظر فرهنگی یهودیان شبیه اعراب بودند. افراد باسواد آنها از علمای مذهبی بودند. یهودیان برای اینکه کنترل اقتصادی را در دست بگیرند بین دو قبیله اوس و خزرج تفرقه می افکندند. رسول خدا (ص) هم که وارد مدینه شد، از موضع سیاسی یهود اطلاع داشت ، به همین علت با یهودیان داخل وخارج مدینه پیمان صلح بست تا برای مبارزه با مشرکین نیروی خود رامتمرکز کند. بر اساس پیمان نامه یهودیان در دین خود آزاد بودند، اما موظف به پرداخت جزیه بودند، همچنین یهودیان و مسلمانان موقع حمله دشمن باید با هم متحد می شدند.

حوزه کارشکنی

حوزه ها و قلمروهای کارشکنی یهود را می توان در ابعاد زیر بررسی کرد:۱- مهم ترین عرصه کارشکنی های یهود علیه پیامبر، در عرصه نظامی است . به بیان عمیق تر:بر اساس مدارك و اسناد معتبر یهودیان در طول تاریخ ، پیامبران زیادی را آزاررسانده و کشته اند، حتی آنان پیمان خود با پیامبر (ص) را شکستند و برای حفظ منافع دنیوی خود به کارشکنی پرداختند، عده ای ظاهراً مسلمان شدند ولی به جاسوسی پرداختند و از کمك رساندن مسلمین به پیامبرجلوگیری کردند. در این موقع آیه ۱۱۸ سوره آل عمران نازل شد. یا اَیُّهَا الّذین ءامَنوُا لاتَتَّخِذوا

بِطانَه ًمِن ٭دوُنِکَم لا یَألوُنَکَم ٭خَبالاً وَدّوا ما عَنِتُّم ٭ قَدْ بَدَت اِلبغَضْاءُ مِن ٭اَفْواهِهِم ٭و ما تُخفِی صُدوُرُهُم ٭اکْبَرُ قَدْ بَیَّنّا لَکَم ُالأیات اِن ٭کُنتُم تَعْقِلوُن . خداوند در این آیه دستور می دهد مسلمانان راز خود را در بین بیگانگان افشا نکنند، خداوند در این آیه از باطن دشـمنان خبر می دهد ویادآوری می کند که آنها شایسته دوستی نیستند، و به این صورت نقشه یهودبر هم ریخت . نمونه ای از جاسوسـی یهودیان ، در جنگ احزاب است . آنها باوجود داشتن پیمان با مسلمانان به صورت ستون پنجم ، سپاه ده هزار نفری احزاب (قبایل چنـدگانه عرب و یهود) را یاری کردنـد. وقتی احزاب شـکست خوردند، پیامبر (ص) بر اساس مفاد پیمان نامه با آنها رفتار نمودنـد.رفع اختلافات بین دو قبیله اوس و خزرج (اختلافات ۲۰ ساله) از مشـکلات رسول خدا (ص) بعد از هجرت به مدینه بود. بعد از صـلح این دو، یهود شـروع به تفرقه افکنی کردند، اما پیامبر مردم را هوشـیار نمودند و دوباره صلح رابرقرار کرد. آیه ۱۰۰ سوره آل عمران در این باره است و مسلمانان را ازاطاعت از اهل کتاب منع می کند. یا اَیُّها الَّذین َامَنوُا اِن ٭تُطیعُوا فَریقاً مِن الَّذین اُوُتوُا الکتاب َیَرُدُّکُم بَعْدَ ایمانِکُم کافِرین . به نظر نویسـنده کتاب ، این آیه خطاب به تمام مسلمانان در همه زمانهاست و آنها را از توطئه دشـمن آگاه می کنـد، اما مصـداِ این آیه در اوایل هجرت مسـلمانان به مـدینه ، مشـرکان ویهودند. آن ها از راههای مختلف

به پیـامبر فشـار می آوردنـد، از جمله جنگهای بـدر و احـد با مشـرکین و درگیری با قبایل بنی قینقاع و بنی قریظه و یهود خیبر، مقـاومت در برابر این فشارهـا فقـط بـا الطـاف الهی و کمک های غیبی ممکن شـد.از جمله کارهای که یهود برای کارشـکنی انجام دادنـد، ایجاد ناامنی و فتنه بود. بعـد از پیروزی مسـلمانان در جنگ بـدر یهود بنی قینقاع از شـدت ناراحتی شـروع به فتنه انگیزی و گفتن شـعارهای توهین آمیز کردند. رسول خدا (ص) درپاسخ ، نشانه های پیامبری خود در تورات را گوشزد نموده و آنها را بیم داد، بنی قینقاع به جای عبرت گرفتن ، قدرت نظامی خود را به رخ پیامبر کشـیدند واو را تشویق به جنگ کردند، پیامبر (ص) سکوت کرد، اما مسلمین منتظرفرصت انتقام بودند. آیات ۱۲ و ۱۳ سوره آل عمران نازل شد و شکست زودهنگام یهودیـان و محشور شـدن آنهـا در جهنم را خبر داد. یهودیـان بنی قینقـاع به فتنه انگیزی ادامه دادنـد چنانکه در شوال سال دوم هجری جوانی از بنی قینقاع به زنی مسـلمان توهین کرد، زن مسـلمان تقاضای کمک نمود. مردی مسـلمان آن جوان یهودی را کشت ، در عوض یهودیان نیز او را به قتل رساندند، در ادامه یهودیان به قلعه های خود رفته و آماده جنگ شدند. پیامبر (ص) پس از فتح قلعه دسـتور داد آنها از مدینه خارج شوند.قبیله دیگر یهودیان بنی نضـیر با طرح نقشه قتل پیامبر پیمان را شکسـتند. خداوند پیامبر را از نقشه آنان آگاه کرد و توطئه آنها بی نتیجه ماند. یکی ازیهودیان به نام کنانه بن صویرا گفت :

قسم به تورات او پیامبر خداست که نشانه هایش در تورات آمده است ، یهودیان به سخنان او توجهی نکردند، به این صورت قبیله ای دیگر از یهودیان دشمنی خود را با پیامبر آشکار کرد. پیامبر (ص) در پاسخ به این خیانت قصد جنگ با آنها را داشت ، در نتیجه آنهایا باید مسلمان می شدند و یا وطن خود را ترک می کردند، آنها از شدت تعصب ترک وطن را انتخاب کردند. بعضی از مفسرین شأن نزول سوره حشررا این اتفاِ می دانند. خداوند در این سوره مجازات این عده را ترک وطن معرفی می کند و می فرماید: اگر خداوند این مجازات را تعیین نکرده بودعلاوه بر عذاب دنیا در آخرت هم مجازات می شدند.در ادامه کارشکنی های سران یهود با قبایل دیگر و بت پرستان ، احزابی راتشکیل دادند و در مقابل مسلمانان قرار گرفتند و مخالفان را از نظر نظامی واقتصادی یاری کردند. سران یهود مردم عادی یهودی را با حیله تحریک به مخالفت و کارشکنی کردند. سران قبیله بنی نضیر که در اثر خیانت اخراج شده بودند عده ای به شام وگروهی به خیبر رفتند، سپس این دو دسته به مکه رفته و قریش را بر ضد پیامبر شورانیدند. در نتیجه می توان گفت ، سران بنی نضیر و عده ای از بنی وائل زمینه جنگ احزاب را ایجادکردند. نقشه جنگ احزاب که برای نابودی اسلام طراحی شده بود در تاریخ اعراب بی نضیراست . سران بنی نضیر با تطمیع و تحریک قبایل مختلف یهودی وبت پرست ، سپاه ده هزار نفری گرد آوردند که به صورت سه لشکر

به طرف مـدینه حرکت کردنـد. وقـتی به مـدینه رسـیدند، خنـدقی اطراف شـهر دیدنـد که هیـچ کس نمی توانست از آن عبور کند.بعضـی ها می گفتنـد این طرح عرب نیست ، پیشـنهاد یک ایرانی است . وقتی دیدنـد عبور غیر ممکن است ، اردو زدنـد، چند بار حمله کردند، اما مسلمانان مقابله کردند. آنها یک ماه بی نتیجه آنجا ماندند، در نتیجه با سران بنی قریظه ارتباط برقرار کردنـد و آنها را تحریک به پیمان شـکنی کردنـد تا از داخل مـدینه با مسـلمانان درگیر شونـد و سـپاه کفر بتواند از خندِ عبور کننـد. ابتـدابنی قریظه قبول نمی کردنـد، اما با پافشاری مداوم سـران کفر و یهود پذیرفتند. از بین آنها پیرمرد یهودی تذکر داد که : اگر این محمـد (ص) همان پیامبری باشد که در تورات وعده داده شده ، هیچ سپاهی توان مقابله با او راندارد، ولی حی بن اخطب (یکی از سـران یهود) گفت محّمد (ص) از فرزندان اسـماعیل است اما آن پیامبر که در تورات نام برده شده از بنی اسرائیل می باشد. بنی قریظه بعد از پیمان شکنی چاره ای جز جنگ با پیامبرنداشتند، پس به وسایل مختلف کار شکنی کردند. پیامبر (ص) به مسـلمانان مژده پیروزی داد. بنی قریظه نقشه کشـیدند که با دوهزار نفر به شهر حمله کنند و آن را غارت کنند. پیامبر (ص) پانصد نفر را مأمور کرد در شهر بگردند وتکبیر بگویند تا زنان و کودکان آرامش یابند. خداوند در آیه ۱۰ سوره احزاب این حادثه را وصف می کند و می گوید که از شدت ترس مسلمانان چشمانشان خیره و جانهایشان به

لب رسیده بود. اِذْ جاءُوکُم ٭مِن ٭فَوْقِکَم ٭و مِن اَسْفَل ٭مِنْکَم ٭و اِذْ زاغَت ِالأبْصارُ وَ بَلَغَت ِالقُلُوب ٭الحَناجِرَ و تَظُنُّون ٭بِاَللهِ الظَّنُونَا. در ایـن موقـع نعیـم ابن مسـعود که یـک یهـودی تـازه مسـلمان شـده بـود، یـک نقشه تـاکتیکی ارائه داد. بوسـیله این نقشه بین گروههـای یهودی و بت پرسـتان درگیری ایجـاد شـد، هر گروه از جنگ صـرف نظر کردنـد و عقب نشـینی نمودنـد. خـداوند بوسـیله جبرئیـل به پیـامبر وحی کرد که بنی قریظه را تنـبیه کنـد. پیـامبر هم طبـق پیمـان نـامه بـا آنهـا رفتـار کرد.۲ - برخی از کارشـکنی هـای یهودیان علیه پیامبر را بایـد در عرصه فرهنگی جسـتجو کرد، از جمله :از برنامه های دین اسـلام ، کنترل افراد سودجو و منفعت طلب است برای همین ، این افراد برای شـکست اسلام به کارشکنی فرهنگی پرداختند، به طورمثال در مسائل اعتقادی ، یهودیان از بی نیازی خداونـد آگاهی داشـتند با این وجود نسـبت فقر به خـدا دادند که این کار جزو گناهان بزرگ هم ردیف قتل انبیاء است ، لـذا خداونـد وعـده عذاب سوزان را به آنها می دهد. لَقَدْ سَـمِع ٭اللهُقَول ٭الَّذین ٭قالُوا اِن ٭اللهَ فَقیرٌ وَ نَحْن ٭اَغْنیاءُ سَـنکْتُب ٭ما قالوُا و قَتْلُهُم ٭الانبیاءَ بِغَیْرِحَق ٭و نَقوُل ٭ذُوقوُا عَذاب ٭الحَریق . (آل عمران / ۱۸۱). در شأن نزول این آیه آمـده است که وقتی خداونـد مردم را دعوت به خوانـدن نماز و دادن زکات کرد، یهودیان گفتند خدا فقیر و تنگدست است ، اما ما که روزی را بر اهل خود توسعه

دادیـم غنی هسـتیم . ایـن تهمت هـا و تـوهین هـا از طرف مردمی که انبیـاء را کشـته انـد، دور از ذهن و عجیب نیست . علامه طباطبایی در تفسـیر این آیه می گویـد: شایـد این سـخنها به علت دیدن فقر عمومی مسـلمانان و برای طعنه و زخم زبان به آنها بوده است .حیله فرهنگی دیگر این بود که یهودیان گفتنـد: قرآن همان مطالب تورات است که تحریف شـده و دیگر اینکه در قرآن تناقض هایی وجود دارد. آنها بااین شـبهات می خواسـتند مؤمنین را گمراه کرده و اعتقاداتشان را سـست کننـد، در حالی که خودشان گمراه شدند، و لذا وقتی که به این کار شوم سـرگرم شدند، دیگر نتوانستند در حق و حقیقت به جستجو بپردازند. عـده ای ازبزرگـان انصار که قبل از بعثت با یهودیان رابطه دوستی داشـتند به آنها گفتنـد:شـما قبل از بعثت نشانه های پیامبر و ظهورش را به ما می گفتیـد، پس ازمخالفت با پیامبر دست برداریـد و از عـذاب خـدا بترسـید، اما یهودیان گفتنـد:هرگز بعد از موسـی پیامبری مبعوث نشـده و کتابی نازل نشـده است . وقتی عـده ای از مشـرکین از یهودیان درباره دین جدیـد یعنی اسـلام راهنمایی خواسـتند آنها به علت کینه و دشـمنی با پیامبر گفتند: دین شـما بهتر وقدیمی تر است و شـما هدایت یافته ترید. حتی خود یهودیـان اعتراف می کننـد که این لکه ننگ بر دامان یهود است . نویسـنده یهودی در کتاب تاریـخ یهود و عربسـتان می گویـد: هرگز ارزش نداشت یهود چنین خطایی را مرتکب شوند، هر چند قریش با تقاضای آنان موافقت نکنند. هرگز صـحیح نبود ملت یهود به بت پرستان

پناه ببرنـد، زیرا این رفتار با تعلیمات تورات موافق نیست .از دیگر کارهای یهود این بود که عده ای را مامور کردند، تا صـبح ، ایمان بیاورنـد و شب از ایمان خود بازگردند، زیرا تازه مسـلمانان می دانسـتند که علمای یهود با ادیان الهی و پیامبران آشـنایی کامل دارنـد. با این وسـیله می خواسـتند در دل کسانی که ایمانشان سـست بود، تردید به وجود بیاورند. در تفسـیر قمی از امام باقر (ع) نقل شـده است ؛ وقتی قبله مسـلمانان از بیت المقـدس به مکه تغییر کرد، یهودیان خشـمگین شدنـد و گفتند شـما ای یهودیان به آنچه در آخر روز نازل شده است (تغییر قبله به طرف کعبه) کافر شوید، تا شاید مسـلمانان به قبله ما برگردند.نقشه دیگر یهودیان این بود که خواسـتند خود پیامبر را منحرف کنند. آنها نزدپیامبر رفته و گفتند: بین ما و قبیله دیگر اختلافی افتاده است ، اگر از ما، حمایت کنی مسـلمان می شویم ، اما پیامبر (ص) بر اساس دسـتور خداونـد و آیه ۴۹ سوره مائده عمل کرد، در این آیه چند نکته وجود داشت :۱ هشدار به پیامبر برای پیروی نکردن از یهود.۲ افشای توطئه یهودیان .۳ اشاره به مجازات بعضـی از گناهـان اهـل کتـاب در آخرت ، چون جزای همه گناهـان در دنیا داده نمی شود، بلکه بعضـی از گناهان در آخرت مجازاتشان داده می شود. وقتی رؤسای یهود از اجرای این نقشه ناامیـد شدنـد، تلاش کردند مسـلمانان دیگر را از حق منحرف کنند، حتی یاران بسیار نزدیک پیامبر، مثل معاذ بن جبل ، حذیفه و عمار بن یاسر. اگر در

این کار موفق می شدند، ضربه سنگینی به اسلام وارد می شد. در این هنگام آیه ۶۹ سوره آل عمران نازل شد. در این آیه خداوند می فرماید: یهودیان می خواستند شمارا گمراه کنند، اما با نسبت دادن خلاف ها به رسول خدا، روح تنفر و بدبینی رادر خود پرورش دادند و نقاط مثبت را نادیده و هر روز بیشتر از اسلام فاصله گرفتند.از دیگر اعمال یهود تخریب شخصیتهای مسلمان بود. آنها سعی کردندشخصیتهای دینی یعنی پیامبر و پیروانش را در نظر مردم حقیر جلوه دهند ونسبتهای ناروا به آنها بزنند تا اعتبار آنها در بین مردم از بین برود. حتی عده ای شاعر ماهر را اجیر کردند، یکی از این شاعران کعب ابن اشرف بود، که بسیاربد زبان و کینه توز بود. او زشتی را به جایی رساند که پیامبر دستور قتل او راصادر کرد. مفسرین عقیده دارند آیه ۱۸۶ سوره آل عمران در این باره نازل شده است . لَتُبْلَوُنَّ فی أَمْوالِکُم وَ فی اَنْفُسِکُم و لَتَسْمَعُنَّ الَّذین أُوتوُا الکِتابَ مِن قَبلِکُم و مِنَ الَّذین أَشْرَکوُا أَذیً کَثیراً وَ اِن تَصْبِروُا و تَتَّقوُا فَاِنَّ ذلِکَ مِن عَزْمِ الاُمُور. خداوند دراین آیه زخم زبانها را آزمایش از طرف خداوند معرفی می کند. یهودیان حتی حقایق روشنی را که در کتابهای آسمانی از جمله تورات درباره پیامبر وجود دارد را آگاهانه مخفی کردند، با این کار بزرگترین خیانت را به بشریت کردند. خداوند در آیه ۱۵۹ سوره بقره این کتمان کنندگان حقیقت را لعنت می کند.خداوند در آیه ۱۴۶ سوره بقره می فرماید:

آنها (یهودیان) پیامبر را مثل فرزنـدان خود می شـناختند، منظور عبدالله بن سـلام است ؛ یهودی که مسـلمان شد و می گفت : من پیـامبر را بهتر از فرزنـدان خود می شـناسم . علمـای یهودی قبـل از بعثت پیـامبر، نشانه های او را (که در تورات آمـده بود) برای مردم عادی بازگو می کردنـد و این مردم عادی هم ، وقتی مسـلمانان رامی دیدنـد، این نشانه ها را بازگو می کردنـد، اما بزرگـان یهـودی که مـوقعیت خودرا در خطر می دیدنـد، به علت خودخواهی و دنیـاطلبی آنهـا را از این کـار منع می کردنـد، درحالی که علمای یهود حقیقت را می دانسـتند، آن را پنهان می کردنـد. آیات ۷۶، ۷۷ و ۸۹ سوره بقره در این باره نازل شد. خداونـد در این آیـات می فرمایـد: آنهـا می گفتنـد اگر این نشـانه هـا را بازگو نکنیم ، در قیامت مسـلمانان علیه ما دسـتاویزی نخواهنـد داشت . هم چنین می فرمایـد: آیا آنهانمی داننـد که خداوند از پنهان و آشـکار آنها مطلع است ؟از دیگر توطئه های فرهنگی یهـود این است که آنهـا تـورات را تحریف کردنـدمخصوصاً قسـمتهای مربوط به صـفات پیـامبر را. عوام یهود هم بی تقصـیرنبودند، چـون امـام صـادِ (ع) در حـدیثی می فرمایـد: عوام یهود به دروغ گویی و حرام خواری و رشوه خواری و فسـق علمای خود، آگاهی داشـتند، بنابراین نبایـد از آن پیروی می کردنـد. یهودیان لغات و کلمات مسـلمانان راتمسـخرمی کردنـد، مثلاًـ موقع بیـان احکـام و تلاـوت آیـات قرآن توسط پیامبر، عـده ای ازمسـلمانان با گفتن کلمه راعنا از پیامبر می خواسـتند که کمی تأمل کند، ولی یهود

معنـای دیگر این کلمه (مـا را تحمیق کن) را برای تمسـخر به کار می برنـد، در این موقع آیه ۱۰۴ سوره بقره نازل شـد که می فرماید: مسلمانان به جای این کلمه از کلمه اَنظُرنا استفاده کنند.سران یهود مدینه برای اینکه از قدرت اسلام کم کنند، یهودیان تازه مسلمان را توبیخ می کردند: مثلاً وقتی عبدالله بن سلام مسلمان شد، از پیامبرخواست بدون آشکار کردن مسلمان شدن او، نزد قبیله اش برود و از آنهادربـاره شخصـیت عبـدالله بن سـلام اعتراف بگیرد. قبیله اش به پیامبر گفتنـد: اودانشـمند و پرهیزکار است ، امـا وقتی فهمیدنـد او مسـلمان شـده ، گفتنـد: او نـادان و فـاسق است .یهودیـان بهانه جویی می کردنـد: از پیامبر معجزه قربـانی و سوختن آن بـا آتش راخواسـتند، در حـالی که پیـامبرانی مثـل ذکریـا و یحیی که این کار را انجام دادنـد، توسط بنی اسـرائیل کشـته شدند، آیه ۱۸۳ سـوره آل عمران به این موضـوع اشـاره دارد. بعضـی از مفسـرین قربـانی سوخته را یـک سـنت مذهبی می دانند که شرح آن در تورات (فصل اول سفر لاویان) آمده است . تفسیرنمونه این عقیده را رد می کند، زیرا کشتن حیوان و سوزانـدن آن یک عمل خرافی است نه یک دسـتور الهی . یهودیان بهانه جویی را به نوعی دیگر دنبال می کردند، از پیـامبر خواسـتند قرآن هم مثـل تورات یـک بـاره نـازل شود، درصورتی که این یک بهانه بود، چون فلسـفه و علت نزول کتب آسمانی هدایت است که این هدایت گاهی به وسیله نزول یک باره و گاهی به صورت نزول تدریجی انجام می شود. یهود در گذشته نیز خواسته های

غیر معقولی داشتند، مثلاً خواستند خداوند را با چشم ببینند، در نتیجه خداوند آنان را باصاعقه مجازات کرد.

نمونه هایی از کارشکنی های اعتقادی و اقتصادی یهودیان علیه پیامبر

نمونه هـایی از کارشـکنی هـای اعتقادی و اقتصادی یهودیان علیه پیامبرعبارت انـد از:یهودیان در زمینه اعتقادی هم مشـکلاتی ایجاد کردند، مثلا، یهودیان یکی ازعلل سـرگردانی خود را یکتا پرستی خود می دانند، اما یهود عصـر پیامبر به علت لجاجت و دشـمنی با پیامبر، اساس دین خود را فراموش کردند و به شرک تمایل پیدا کردند. آنها ترجیح دادند بگویند: خدای دیگری با آن هـااست . آنـان شخصـی به نـام عزیر را فرزنـد خـدا می دانسـتند، چون او تورات رابعـد از نـابودی از قلب خود بیان کرد و جبرئیل به او آموخت ، به همین دلیل اورا پسر خـدا نامیدنـد. عـده کمی از یهودیان این را گفتند، اما خداوند در آیه ۳۰سوره توبه این سـخن را به همه یهودیان نسـبت داد. یهودیان دیگر، این سـخن عده کم را انکار نکردند و این نشانه شـرک آنان بود. در مورد یکی بودن اعمـال عوام و عالمان یهود، امام صادِ (ع) می فرمایـد: عوام یهود احبار و راهبانان را اطاعت می کردنـد با اینکه آنهـا حرام هـا را حلال و بعضـی حلال ها را حرام می کردنـد. پس بـدون اینکه متوجه شونـد آنها را می پرستیدنـد.دلیل دیگر بر شـرک یهود دوران پیامبر این بود که آنان می گفتنـد ما فرزندان خدا هستیم و وقتی پیامبر آنان را از عذاب خدا آگاه کرد، آنها با این گمان که برگزیـده خـدا هسـتند، می گفتند: ما را از چه می ترسانی ، ما فرزندان خداییم . سوره مائده آیه ۱۸ مربوط به این

دعـای یهود است . به نظر نویسـنده کتـاب این ادعـای یهودیـان به دلیـل نژادپرسـتی ، خودپرسـتی و خود برتربینی آنـان است . یهودیان برای اینکه پیامبر بودن رسول خـدا را زیر سؤال ببرنـد، گفتند: بعد ازحضـرت موسـی پیامبری نیامده است . گروهی از سران یهودی نزد پیامبر خدارفتند و پرسـیدند که ایشان به کدام پیامبران معتقد هستند؟ پیامبر (ص) آیه ۸۴ سوره آل عمران را تلاوت نمود و حضـرت موسـی (ع) و حضرت عیسی (ع) را در یک ردیف نام برد. یهودیان از جواب پیامبر (ص) خشمگین شدند و گفتند: ما به مسـیح و هر که به او مؤمن باشد، ایمان نمی آوریم . خداوند در آیه ۵۹ سوره مائده از ایشان به نام خارج شدگان از راه حق یادمی کند. به علاوه بیشتر یهودیان به قیامت اعتقاد ندارند. آنها به دو گروه فریسیین و صدوقیین تقسیم می شونـد. فریسـیین به قیامت اعتقاد دارنـد، اماصـدوقیین به قیامت معتقـد نیسـتند و همه چیز را در جهان مادی خلاصه می کننـد. خداوند در آیه ۱۳ سوره ممتحنه مؤمنین را از دوستی بـا این گروه منع می کنـد. ویـل دورانت در این باره می گویـد: یهود به جهان پس از مرگ اعتقاد ندارد و پاداش و کیفر را فقط برای این دنیا می داند.مدت کوتاهی بعد از هجرت پیامبر، سران یهود نزد پیـامبر رفته و سـعی کردنـدبا مطرح کردن سوالاتی عجز و ناتوانی ایشان را در پاسـخ دادن به سوالات نشان دهنـد. وقتی از پاسخ های پیامبر ناامید شدند، برای آخرین سؤال پرسیدند: کدام فرشته برای تو وحی آورده است ؟ پیامبر پاسخ داد

جبرئیل . آنها گفتند جبرئیل دشـمن ماست ، او ویرانگر و خونریز است او همیشه دستورات سخت و مشکل ، همین طور دستور جهـاد می آورد، پس مـا به توایمـان نمی آوریم . اگرمیکائیـل بـود ایمـان می آوردیم ، میکائیـل همواره برای رفع گرفتـاری و آوردن خوشـی نازل می شود. علامه طباطبایی در المیزان این ادعا را رد می کنـد و می گوید: اولاً جبرئیل به دسـتور خدا نازل می شود. ثانیاًانسـان عاقـل پیام هـدایت را حتی از دشـمن می پـذیرد.یهودیان در ادامه مخالفت خود به کارشـکنی اقتصادی نیز پرداختند. مهاجران در مدینه با سختی معیشتی روبرو بودند، چون تمام اموال خود رادر مکه باقی گذاشته بودند. پیامبر شخصی را فرسـتاد تا از یهودیان وام بگیرد. یهودیان با آنکه با مسـلمانان پیمان صـلح داشـتند، به تمسخر و طعنه پرداختند. در این موقع وحی الهی نازل شـد و به آنان وعـده عذاب سوزان راداد. آنها حتی اموالی از مسـلمانان را که نزد آنان امانت بود، پس ندادند وگفتند: چون شـما از دین خود خارج شده اید، پیش ما امانتی ندارید. از آیات وتفاسیر نتیجه می شود که صفت پیمان شکنی در یهود سابقه تاریخی دارد به جز اقلیتی اندک مثل عبدالله بن سـلام ، که تعهدات خود را انجام می دادند. خداوند در آیه ۵۷ سوره آل عمران ، بین این دو گروه فرقی می گذارد. در ادامه کارشـکنی های اقتصادی ، یهود مدینه نزد انصار رفتند و آنها را از کمک به مهاجرین نهی کردند. آنها به انصار گفتند: به مهاجرین کمک نکنید، زیرا فقیرخواهید شد.

علت های دعوا

بررسی عوامل کارشکنی یهودیان چهره واقعی این قوم را

نشـان می دهـد، وباعث عبرت افراد حقیقت جو می شود. در تبیین این سـخن بایـد گفت :قوم یهود از اولین کسانی بودنـد که برای دیـدن پیامبر آخرالزمان به مـدینه هجرت کردنـد. آنها سـختی های زیادی را تحمل کردنـد، اما هنگام بعثت پیامبر (ص) خلاف جهت اولیه حرکت کردنـد و گمراه شدنـد، عالمان یهودی برای تامین دنیای خود و خوش آیند سـلاطین یهود، دین را تحریف کردنـد. این دنیادوستی امروز هم ادامه دارد. آنها با در اختیار داشـتن بیشتر تبلیغات جهان ، مواد مخـدر و اسـلحه های فرسوده انبارهـای شـان را می فروشـند، تـا هم فکر ملل دیگر را از کار بیاندازنـد و هم فریاد عـدالت خواهی را خاموش کننـد. ژرژلاـمبن در کتـاب اسـرار سازمـان مخفی یهود به توطئه هـای یهود اعتراف می کننـد و می گویـد: مـا با جنگ داخلی که به تدریـج به جنگهای اجتماعی تبـدیل می شوند، ملت ها را ضـعیف می کنیم ، تا حس احترام آنان نسـبت به خودمان افزایش را دهیم و قراردادهـای مـالی و اقتصـادی خـود را بر آنـان تحمیـل کنیم . یهودیـان عصـر حاضـر هم این جنـایت هـا را انجـام می دهند.خداوند در آیه ۹۶ سوره بقره درباره دنیاطلبی یهود می فرماید: آنها راحریص ترین مردم حتی حریص تر از مشـرکان در زندگی خواهی یافت ، که هریک از آنها آرزو دارد، هزار سال عمر به او داده شود، در حالی که این عمرطولانی او را از کیفر الهی باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنهابیناست . از صفات ناپسند یهود مقام پرستی وجاه طلبی است . زمامداران یهود، وقتی دیدند صفات پیامبر با صفاتی که

در تورات آمـده یکی است برای حفظ مقام و منصب خود، آن حقایق را تغییر دادند و وارونه در تورات نوشـتند. مرحوم طبری در تفسیر قسمتی از آیه ۷۸ سوره آل عمران یَقُولُون علی اللهِ الکَذِب َو هُم یَعْلَمُون می گویند منظور این است که دروغ گفتن برخداونـد و گواهی دادن به باطل و ملحق کردن چیزی به آن که جزو آن نیست از روی عمد بوده ویهود برای ریاست طلبی و دنیـاخواهی این کار را انجام داده انـد. این دنیاپرستی ها و ناجوانمردی ها تا عصـر ما نیز ادامه دارد. به طوری که آدولف هیتلر در کتـاب نبرد من می گویـد: اعمـال یهودیان به طورآشـکار نشان می داد که غیر از خراب کاری نظری ندارنـد.یکی دیگر از علل کارشـکنی یهود نفاِ و دورویی آنان بود که در آنها ریشه دوانیده بود و باعث دوری شان از رحمت الهی بود. درباره نفاِ و دورویی یهود امام حسن عسـگری (ع) در روایتی می فرمایند:وقتی پیامبر (ص) بامعجزه حقانیت خود را اثبات نمود، یهود که بهانه ای نداشـتند، ظاهراً ایمان آوردنـد، اما وقتی نزد قوم خود می رفتنـد، می گفتنـد، همانا ما اظهار ایمان نزداو می کنیم برای اینکه بـا این وسـیله هر شـری از جـانب او بر خودمـان را بهتربتوانیم دفع کنیم و با آگاهی از اسـرارشان ، دشـمنان شان را یاری دهیم . نفـاِ ودورویی یهود فقـط مربوط به عصـر پیامبر (ص) نیست ، بلکه امروزه هم ادامه دارد. یهود در هر جامعه ای خود را در ظاهر با آن هماهنگ می کند، اما درباطن فقط به

هدفهای شوم خود می پردازد. کتاب پروتکل های دانشوران صهیون که اسرار یهود را فاش می کند، این موضوع را ثابت می کند.عیاشی و شهوت رانی هم علت دیگر مخالفت یهود با اسلام است ، زیرااسلام در این زمینه محدودیت ایجاد می کند. اولین برخورد فیزیکی یهود باپیامبر (ص) هم به علت همین اعمال منافی علت بود. صفت بد دیگر یهودحسادت آنها بود. آنها وقتی دیدند پیامبر (ص) از نژاد یهود نیست ، بلکه از غیریهود است ، نتوانستند، تحمل کنند. در آیه ۱۰۹ سوره بقره ، خداوند درباره بسیاری از اهل کتاب می گوید: آنها از روی حسادت آرزو می کردند که مسلمانان بعد از ایمان به کفر برگردند. بعضی از مفسران می گویند: علت حسادت یهود این بود که نبوت از خاندان اسرائیل به خاندان اسماعیل تغییرکرده بود. حسادت امروزه نیز در میان یهود وجود دارد: در پروتکل شماره ۵دانشوران صهیون آمده است :«بذر دشمنی ، کینه توزی و حسد را در هرخانه ای کاشته ایم و در این زمینه از تعصبات مذهبی ، قبیله ای و غیره استفاده می کنیم .»از صفات دیگر یهود لجاجت آنها بود، به طوری که ابن صوریرا از روی لجبازی گفت : تو (پیامبر (ص) چیزی را که برای ما مفهوم باشد، نیاوردی وخداوند نشانه روشنی بر تو نازل نکرده است . بعضی از مفسرین می گویند:آیه ۹۹ سوره بقره در این باره است . خداوند در این باره می فرماید: مانشانه های روشنی برای تو فرستادیم و جز فاسقان کسی به آنها کفرنمی ورزد. به علاوه ، علت دیگر کارشکنی یهود این بود

که به جهـان آخرت ایمـان نداشـتند. حتی امروزه هم در کتـاب تورات که در دست یهودیان است ، اشاره ای به جهان آخرت نشـده است . یهودیان چون فقط به جهان مادی اعتقاد دارنـد، برای رسـیدن به آن هر کاری می کنند.کینه توزی به خاطر تغییر قبله ، علت دیگر کارشکنی یهود بود. پیامبراسلام (ص) ۱۳ سال در مکه و ۱۷ ماه در مدینه به طرف بیت المقدس نمازخواند، در این مدت یهودیان ، مسـلمانان را سـرزنش می کردند، چرا که قبله مسـتقلی ندارند؟وقتی قبله مسـلمانان به طرف کعبه تغییر کرد، یهودیان خشمگین شدند. خداوند در آیه ۱۴۲ سوره بقره می فرماید:«بگو مشرِ ومغرب از آن خداست ، خدا هر کس را بخواهـد به راه راست هـدایت می کنـد.»این آیه قبل از بهانه جویی یهود نازل شده است و معجزه بودن قرآن را نشان می دهد. از آیـات قرآن نـتیجه می گیریم که تغییر قبله ، دو نشـانه داشـته است :یکی آزمـایش مسـلمانان و دیگر پاسـخ به بهـانه جـویی یهودیـان .داشـتن روحیـه نژادپرسـتی علت دیگری بـود که آنهـا را وادار به مخـالفت ودشـمنی می کرد. آنهـا بین مردم فاصـله طبقاتی ایجاد می کردنـد تا اشـراف دارای امتیاز شونـد و حتی حـدود الهی در مورد آنها اجرا نشود. مثلاً در زمان پیامبر (ص) زن و مردی مرتکب زنای محصـنه شدند، چون از طبقه اشـراف بودند، یهودیان می خواسـتند، حکم سنگ باران که در تورات آمـده ، برایشان اجرا نشـد، حتی آنها پیامبر (ص) را برای داوری انتخاب کردند تا شاید حکم خفیف تری صادر کند، پیامبر با وجود حیله های آنها مطابق دستور

الهی فرمان داد آنها سنگ باران شوند.خداوند علت این تمرد را خیال باطلی می داند و می گوید این ، تنها، آرزویی است . منظور این است که یهودیان از روی خودخواهی بهشت را هم مخصوص خود می دانند. آنها معتقدند خداوند کارهای ناشایست آنها رامی بخشاید. قرآن در پاسخ یهودیان می فرماید:«اگر شما این ادعا را دارید، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست می گویید.»یهود که می دانستند دروغ می گویند دیگر چنین ادعایی نکردند. یهودیان در ابتدا فکر نمی کردند اسلام با این سرعت پیشرفت کند، در ضمن آنها می خواستند از اسلام برای منافع خود بهره برداری کنند، برای همین ، بعد از مشاهده پیروزی های مسلمانان بخصوص پیروزی در جنگ بدر خشمگین شدند و از آن به بعد مخالفت خود را علنی کردند. خداوند در کوه طور از یهودیان قول گرفته بود که به دستورات تورات عمل کنند، و به پیامبر موعود که نشانه هایش ، و مژده آمدنش در تورات آمده بود، ایمان بیاورند، اما آنها تمرد کردند.

نتایج کار

در وهله اول به نظر می رسد کارشکنی یهود فقط نتیجه منفی داشته است ، امااعمال آنها نتایج مثبتی هم داشت . پی آمدهای مثبت کارشکنی های یهود:۱ درستی آیه های قرآن درباره یهود ثابت شد، و ایمان تازه مسلمانان محکم شد.۲ افراد فاسد و خطرناک از اطراف مسلمانان پاک شدند. چون پیامبر (ص) براساس پیمان نامه با کارشکنان رفتار می کرد، و البته نتیجه و اثر هر عملی به خود یهودیان برگشت .به بیان دیگر، کارهایی که یهود در زمان پیامبر (ص) انجام دادند، هم اثرات دنیایی

داشت و هم نتایج اخروی . برخوردی که یهودیان با پیامبر (ص) کردنددر زندگی دنیایی آنها آثاری داشت . مثلاً تبعید به مناطق دیگر و آوارگی دردشت و بیابان با خواری و زبونی . خداوند هم در قرآن بر این خواری تاکیدمی کند و در باره علت آن می فرماید:«چرا که آنان به آیات خدا کفرمی ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند، اینها به خاطر آن است که گناه کردند و تجاوز نمودند.»خواری و آوارگی یهود به علت این است که وقتی دیگران به آنها مسلط می شوند با آنها هم پیمان می شوند، ولی وقتی احساس قدرت می کنند، همه عهد و پیمان ها را زیر پا می گذارند. گمراهی از راه حق هم از نتایج خلاف کاریهای آنهاست . خداوند در آیه ۹۰ سوره آل عمران دراین باره می فرماید:«کسانی که پس از ایمان کافر شوند و سپس بر کفر خودافزودند، هیچ گاه توبه آنها قبول نمی شود و آنها گمراهان واقعی هستند.»علامه طباطبایی در کتاب المیزان می گوید: این آیه درباره اهل کتاب است . بعضی دیگر گفته اند: این آیه درباره یهود نازل شده است ، که اول به حضرت عیسی (ع) کفر ورزیدند و سپس کفر خود را زیاد کرده به پیامبراسلام (ص) نیز کافر شدند.علامه طباطبایی درباره علت گمراهی اهل کتاب از توحید می گوید: علت این گمراهی ، مبلغین دنیاطلب یهود و مسیح بودند، در ادامه می گوید:«این دودین در حقیقت دو شعبه از آیین بت پرستی هستند.»بنابراین یهودیان نه تنهاخودشان منحرف شدند، بلکه زمینه انحراف دیگران را هم فراهم کردند. امروزه هم

عامل خیلی از فسادها و فحشاهاصهیونیست ها هستند. یهود به علت نافرمانی خود مستحق عذاب آخرت هستند. البته خداوند افراد صالح و پرهیزکار یهود را مجازات نمی کند. بعضی از مفسرین عقیده دارند، درسوره حمد، منظور از کسانی که مورد غضب الهی واقع شده اند، قوم یهوداست .کارشکنی های یهود، نتایج منفی دیگری هم برای مسلمانان داشت . شبهه افکنی و القای بعضی افکار باطل ، خرافات و تحریف تورات از جمله این نتایج است ، که باعث شک و تردید در مسلمانان و یهود می شد. از دیگرکارهای خلاف یهود وارد کردن اسرائیلیات در بین روایات اسلامی بود. بدعت قصه گویی از سوی آنان رایج شد، به صورت حرفه درآمد و در این چیزهایی که در شأن علم و اخلاِ نبود، وارد کردند. کسانی مثل کعب الاحبار، عبدالله عمروبن عاص و ابوهریره ، خرافات و دروغ پردازی را در بین مردم انتشار دادند. این عمل تا حدودی موفق بود و پیامبر (ص) مدت زیادی از عمر با برکت خود را صرف این شبهات کردند.یهودیان سعی می کردند نفاِ در مدینه را تقویت کنند تا اتحاد مسلمانان را ازبین ببرند. آنان به قدری منافقین را تقویت می کردند، که عبدالله بن ابی سردسته منافقان از یهودیان حمایت می کرد. وقتی رسول خدا (ص) یهودیان را به علت پیمان شکنی مجازات می کرد، به کفار پناه می بردند و آنها را تاییدمی کردند. بت پرستان هم که یهودیان را دانا می دانستند با روحیه بالاتری بامسلمانان مبارزه می کردند.کارشکنی های یهود در عصر پیامبر مانع گسترش اسلام بود، شاید اگر این کارشکنی ها نبود،

اسلام در زمان حیات پیامبر (ص) به نقاط دوردست جهان هم می رسید و بعد از رحلت پیامبر آن همه مشکلات پیش نمی آمد، مسلمانان قبل اسلام با یهودیان پیمان و دوستی قدیمی داشتند، به همین علت اسرار محرمانه خود را به آنها می گفتند و همین باعث شکست برنامه های مسلمانان می شد. سران یهود در زمینه اخلاقی و ارزشی هم کارشکنی کردند. مثلاً افرادی مثل کعب بن اشرف و زنی به نام عصما رامأمور کردند تا برای هتك حرمت زنان مسلمان شعر بگویند، چون شعر درآن زمان ارزش و اهمیت زیادی داشت باعث ضعیف شدن روحیه مسلمانان می شد، در نتیجه پیامبر (ص) با آنها برخورد شدیدی کرد.

گام های برخورد

پیامبر برای برقراری آرامش و امنیت در مدینه ، پیمان نامه هایی امضاء نموده و به ادیان الهی دیگر آزادی عقیده داد. پیامبر (ص) مدینه را حرم اعلام کرد، و دستور داد مردم در امور اجتماعی همکاری کنند. البته در این پیمان نامه هاگناهکاران و ستمگران استثناء بودند. این پیمان نامه ها از هر جهت به نفع اسلام بود، چون مسلمانان با دشمنان خود اتمام حجت می کردند و مدتی ازتوطئه آنان در امان بودند. پیامبر (ص) به یهودیان خیبر نامه نوشتند و آنان رادعوت کردند تا به فطرت و حق برگردند، نشانه های پیامبری خود ومسلمانان را که در تورات آمده بود، تذکر دادند. بعد آنها را به چیزهایی که برایشان مقدس است ، قسم دادند و فرمودند:«اگر در تورات می یابید که به محمد (ص) ایمان بیاورید، ما شما را به سوی خدا و پیامبر او دعوت می

کنیم . پیـامبر (ص) در تمام مـدت بر اساس پیمان نامه ها با یهودیان رفتار می کردنـد. پیامبر (ص) سـعی می کرد با تاکیـد بر نقاط مشترک ادیان بین آنها اتحاد ایجادکند. پیامبر برای دعوت به توحید واقعی (کلمه سواء) زحمات زیادی کشیدند. اما اهل کتاب از مسـیر توحیـد منحرف شدنـد.اهل کتاب هم در مکه و هم در مدینه برای کارشـکنی با پیامبر (ص) بحث ومناظره می کردنـد. آنها می خواسـتند محبوبیت پیامبر را کم کنند، اما چون پیامبر به منبع علم یعنی خداوند متصل بود، این بحث و مناظره بر حق بودن او را ثابت می کرد. در این بحث ها پرسـش هایی مطرح می شـد. از جمله چگونگی خلقت یعنی خداونـد متعال . دانشـمندان یهود نزد پیامبر (ص) رفته می پرسیدنداین مخلوقات را خداآفریده است پس خدا را چه کسی آفریده است . پیامبر از هـدف آنها آگاه شـد و خشـمگین شـد، اما جبرئیل نازل شد وآیات سوره توحید را بیان کرد. سـپس علمای یهود پرسـیدند: کیفیت خلقت توسط خدا چگونه بوده و منظور از دست خدا چیست ؟ رسول خدابرآشـفت ، جبرئیل برای دومین بار نازل شـد و آیه ۶۷ سوره زمر را تلاوت کرد. خدا در این آیه می فرماید:«آنها خدا را آنگونه که شایسـته است ، نشـناخته اند، در حالیکه تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانهای پیچیده دردست او، خداوند منزه و برتر است از شریک هایی که برای او می پندارنـد. علت نـاراحتی پیـامبر در برابر سؤالاـت یهود این بود که آنها عالمان یهود بودنـدو بر کتابهای دینی آگاهی کامل داشتند

و جواب بسیاری از این سؤالها رامی دانستند. این سؤالات برای خوار کردن رسول خدا و گمراهی مردم عادی بود.روزی افرادی از پنج دین : یهود، نصاری ، دهریه ، ثنویه و مشرکان عرب نزدپیامبر آمدند و گفتند: ما می گوییم عزیر فرزند خداست و می خواهیم نظرشما را بپرسیم . پیامبر فرمود من به خدای یگانه ایمان آوردم و اگر شما برای عزیر کرامتی قائل هستید و می گویید او فرزند خداست پس باید برای حضرت موسی که برای اولین بار تورات را آورد، کرامت بزرگتری قائل باشید، و اگر منظور شما از رابطه فرزندی ، رابطه فرزندی زمینی است به معنی زادن و زاده شدن ، پس برای خداوند، آفریننده قائل هستید و این کفراست . بعد از این پاسخ محکم یهود گفتند: ما را رها کن تا فکر کنیم . قضیه دیگر این بود که روزی یهود و نصاری نزد پیامبر رفته گفتند: بین ما داوری کن . پیامبر (ص) فرمود داستان خود را بگویید: یهود و نصاری هر یک در مورددیگری گفتند: ما به خدای واحد حکیم و اولیای او ایمان داریم و دیگری (یهود یا نصاری) بر چیزی از دین و حق نیستند. پیامبر فرمود: هر دو شماخلاف کار، فاسق و کافر هستید. آنها گفتند ما به تورات و انجیل ایمان داریم پس چگونه کافریم ؟ پیامبر فرمود: این دو کتاب برای راهنمایی شما و نجات از سرگردانی نازل شده اند، اگر به آن عمل نکنید موجب بدبختی شماست وگناهکار خواهید بود.پاسخ دیگری که پیامبر (ص) به کارشکنی های یهود داد این بود که از تحدّی استفاده

کرد، یعنی آنها را دعوت کرد اگر می توانند مانند قرآن سوره یا آیه ای بیاورند، زیرا پیامبران الهی برای اثبات پیامبری خود معجزاتی دارند، معجزه پیامبر اسلام نیز قرآن کریم است . پس پیامبر برای اثبات حقانیت خود از قرآن استفاده نمود. خداوند در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره می فرماید: اگر می توانیدمثل قرآن سوره ای بیاورید. هم چنین در روایتی از امام حسن عسگری (ع) آمده است ، خداوند متعال می فرماید: اگر در آنچه محمد (ص) می گوید، شک دارید سوره ای مانند قرآن از تورات ، انجیل ، زبورو صحف ابراهیم بیاورید. این عمل یعنی دعوت به مقابله به مثل تحدّی نام دارد، این تحدّی نه تنها در مکه و مدینه یعنی در زمان پیامبر (ص) بلکه امروزهم ادامه دارد و برای همه زمانهاست .روش دیگر پیامبر در برخورد با کارشکنی ها موعظه و ارشاد آنها بود. وقتی پیامبر (ص) متوجه شد که یهود به عهد خود وفادار نیست و قصد فتنه دارد، آنها را در بازارشان جمع کرد و فرمود: ای گروه یهود بترسید که همان عذابی که به قریش نازل آمد بر سر شما نازل شود. یهود بنی قینقاع پاسخ دادند: ازاینکه با مردم بی خبر از فنون جنگی ، برخورد کردی مغرور نباش ، تو توان رویارویی با ما را نداری . در این وقت آیه ای از سوره انفال نازل شد که تکلیف پیامبر را روشن کرد. خداوند در این آیه می فرماید: به طور عادلانه به آنان اعلام کن که پیمانشان لغو شده است ، زیرا خداوند خائنان را دوست

نـدارد. از کارشـکنی هـای یهود فسـاد فرهنگی و اخلاقی بود، پیامبر برای نابودی فساد، کارهای جـدی انجام داد. پیامبر (ص) ابتـدا یهود را هم به اسـلام دعوت کردنـد، اما وقتی آنها پیمان شـکنی کرده و فتنه و آشوب ایجاد کردنـد، پیامبرفرمان جهاد و مبارزه مسـلحانه را صادر کرد. البته فرمان جهاد فقط مخصوص یهود نبود و هر قبیله ای را که پیمان شکنی می کرد، شامل بود. بر اسـاس پیمـان نـامه ، اگر قبیله ای پیمان شـکنی می کرد، بایـد مجازات می شـد و مجازات برای مردان اعـدام و برای زنان و فرزندان اسارت بود، بعضی قبایل هم مجازات کمتری می شدند و تنها از جامعه مسلمانان اخراج می شدند.

سرانجام

بیشترین دلیل انحراف و گمراهی یهود خودبرتربینی و نژادپرستی آنان است که باعث شـد چشم خود را روی حقیقت ببندنـد و واقعیت های مسلم رانادیده بگیرند و انکار کنند. دنیاپرستی آنان دلیل دیگری برای سقوط آنها دردره گمراهی بود. عده ای از آنها سختی های زیادی کشیدند تا پیامبرآخرالزمان را ببینند، اما اطاعت از هوای نفس تمام زحمات آنها را به باد داد. می توان از تغییر رویه ناگهانی یهود این طور نتیجه گرفت که تعدادی از آنهامنتظر پیامبر خدا نبودند، بلکه کسی را می خواستند که در دنیـاطلبی وخودخواهی ، فرصت بیشتری به ایشـان بدهـد و ثـابت کنـد آنها قوم برگزیـده هسـتند. با توجه به آنچه گفته شـد با وجودی که یهود پیمان نامه ها را نقض کردنـد، نتایـج مثبتی هم به بار آمـد. از این موضوع می توان فهمیـد بایـد دربرخورد با افراد یا دسته های کارشکن ابتدا از راه صلح و

مـدارا وارد شـد.با کمی دقت می توان دریافت عملکرد یهود در برابر مسـلمین و اسـلام درعصـر حاضـر مانند عملکرد آنان در عصـر رسول خـداست . با این تفاوت که حوزه فعالیت آنها وسـیعتر و امکانات شان عظیم تر شـده است ، آنها بیش ازپیش ، از راه حق فاصـله گرفته اند و مانند کسی که در مردابی در حال غرِشدن است ، دیگر ملتها را نیز می خواهند با خود غرِ کنند، اما هر چقـدر آنهاقـدرت بگیرنـد، پیروزی نهایی از آن حق و حقیقت است و هرگز حقیقت برای همیشه پنهان نمی مانـد و عاقبت چهره واقعی آنها برای مردم جهان آشـکارخواهد شد. وظیفه مسـلمانان این است که به خودسازی فردی و اجتماعی بپردازند و در راه خداوند صـبور و شکیبا باشند. البته تنها یهود نیست که برای اسلام خطرآفرین است بلکه هر مکتبی که توسط افراد سود جو تحریف شود، برای سـعادت بشـر خطرآفرین است پس باید یک مسـلمان با دقت و تیزبینی و مطالعه صحیح حق را از باطل تشخیص دهد و با مراجعه به دستورات خداوند و عقل و فطرت خود راه راست را بیابد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹